

مقاله

خط نبودن جدی بگیرد

● صالح

در چند هفته اخیر اتفاقاتی رخ داده است که به صورتی جدی شایسته تفکر و اندیشه و دوری زردن از سهل انگاری و ساده بینی قضایا است. این حوادث با توجه به زمینه های برخورد و شرایط کشور مستلزم برخوردی سریع، هماهنگ، آگاهمندانه و جدی است و گر نه بیم آن می رود که هر از چندی دست های پنهان، با دستمایه قرار دادن جان دیگران، اهداف و نیت شوم خود را عملی سازند. حوادثی که اتفاق افتاده است، شایسته تحلیل جدی و بررسی کارشناسانه اطلاعاتی و امنیتی است.

شایعه قتل پیروز دوانی، یکی از مارکسیست های قدیمی که در این اواخر برای خود دنیای خود اقدام به انتشار نشریه ای به نام «پیروز» می کرد، اخیراً و بنا به نوشته یکی از روزنامه های صبح پس از چند روز مفقود شدن، احتمالاً به قتل رسیده و متأسفانه به هنگام دادن خبر قتل فرزند، مادر وی نیز سگسته می کند.

پس از آن «داریوش فروهر» به همراه همسرش به صورتی جانی کارانه به قتل می رسند، فروهر که سالها به مبارزه جمعی در پیش از انقلاب و در این اواخر یک تنه با نظام مخالفتهایی می کرد، اگرچه حرفی جدی برای گفتن نداشت و صدای او به جز مصاحبه هایش با رسانه های خارجی انعکاس چندانی نداشت، اما او در هیئت یک رجل با سابقه سیاسی، دارای یک حزب و مرام، در موقعیتی قرار داشت که می توانست قتل او دارای عواقب و تحلیل های متفاوت باشد.

مرگ مشکوک «محمد شریف» یکی دیگر از سلسله حوادثی است که در هفته های اخیر اتفاق می افتد، «شریف» که عضو بریده از شورای ملی مقاومت در فرانسه بوده و قریب به پنج سال بود که از سوریا بریده و در کشور به ترجمه آثار «روزه گارودی»، «جبران خلیل جبران» و انتشار مقالات و دیدگاه های خود در نشریات کشور اقدام می کرد، او نیز پس از چند روز مفقود شدن، سرانجام جسد او در پزشک قانونی شناسایی می شود، اگرچه نظریه پزشک قانونی عامل مرگ او را سگسته تشخیص داده است، اما به هر حال، آنچه اتفاق افتاده است، از جوانب مختلف و با توجه به سیر حوادث و زنجیره قتل ها و مرگ ها شایسته اندیشه و پیگیری مجددانه است.

با نگاهی به قتل ها و مرگ های مشکوک و تحلیل های مترتب بر آن، خصوصاً تحلیل های مخالفین نظام می توان به نکات مهمی اشاره کرد. نخست اینکه افراد یاد شده، هیچ کدام دارای وجوه مشترک فکری و مشربی به جز سابقه فعالیت سیاسی و فکری در مقاطع مختلف نداشته اند. دیگر اینکه آنها هر کدام و بنا بر ملاحظاتی فکری و اعتقادی خود به این تشخیص رسیده بودند که در درون نظام و با توجه به شرایط، اقدام به طرح دیدگاه های خود نمایند.

از دیگر سو مخالفین نظام به طور جدی خطی را پیگیری کرده و می کنند که در درون نظام هیچ امنیت و شرایطی برای طرح دیدگاه های مختلف وجود ندارد و زندگی سیاسی و یا فکری در داخل نه تنها امنیت ندارد، بلکه مرگ و قتل آخرین نسخه ای است که بپنجانده می شود.

در چنین شرایطی است که قتل ها، هر کدام به شکلی اتفاق می افتد و چه بسا مرگ ها نیز تبدیل به قتل های سیاسی ساخته و پرداخته شده بدل می گردند، در این میان چه باید کرد و چگونه

باید حرکت کرد، در شرایطی که دولت خاتمی و راه و رسم ارائه شده از طرف دولت برآمده از انتخاب بزرگ ملی و فراگیر دوم خرداد، راه را بر هرگونه جزم اندیشی و مطلق انگاری های فکری بسته است. حوادثی به وقوع می پیوندد تا این راه مسدود شود و یا اینگونه القا شود که راه طرح دیدگاه های مختلف انجام و سرانجامی جز افتادن در وادی خشونت ندارد و متأسفانه برخی تحلیل ها و تفسیرها در بعضی نشریات و برخی رفتارها از جمله رفتارهای چندماه گذشته و یا گروهها و افراد از جانب برخی از منتسبین به انقلاب سر می زند. بسترها و زمینه هایی را فراهم می آورد که باعث تحلیل های انحرافی در قضایای اخیر شده است. آنکه از حوادث به وجود آمده بیشترین ضرر را دیده، بدون تردید دولت و شعارهایی است که توسط دولت مطرح شده است و ما قبلاً نوشتیم که مخالفت با دولت خاتمی و برنده اصلی آنها هستند که دل در گرو ناامیدی مردم از کل نظام دارند، خاتمی که در بیشترین شرایط به دنیا و جهان اثبات کرد که مردم همه دل در گرو نظام دارند. بیشترین و قدرتمندانه ترین ضربه را بر تحلیل هایی فرود آورد که با تمام توان خود می خواست اینگونه ثابت کند که رابطه مردم و نظام مخدوش شده است. در یک محفل راست روشنفکری مخالف نظام در خارج چنین مطرح شده است که با توجه به شرایط بوجود آمده ما دیگر هیچ حرف جدی و جدیدی برای مردم نداریم نگاهی به تحلیل های مارکسیست های قدیمی، جدید که سطح و عمق آن مؤید این نکته است که دیگر مبارزه با نظام اسلامی در ایران کاری عبث و بیهوده است زیرا راهی که در ایران و پس از حماسه دوم خرداد باز شده است راه هرگونه ابتکار و حرکت را بر ما مسدود ساخته است. همه مؤید این نکته است که دشمن ضرباتی بزرگ را دریافت کرده است. در این چشم انداز و چنین شرایطی یکی پس از دیگری حوادثی اتفاق می افتد که شایسته پیگیری جدی است. از بین بردن هرگونه زمینه داخلی خشونت و رفتارهای خشن، بدون تردید، راه را بر هرگونه تحلیل های معطوف به داخل خواهد بست به نظر ما مسؤولین و متولیان امور باید هر چه سریع تر به پیگیری و چگونگی حوادث یاد شده با توجه به شرایط داخلی و بی خطر بودن افرادی که در حاله ای از ابهام به قتل رسیده و یاد گذشتند، رسیدگی شود.

نقد و بررسی اطلاعاتی دقیق و در میان گذاشتن اتکیرها و اقدامات به عمل آمده سهم مهمی در حتمی سازی خط نمودی است که سعی می کند سیر حوادث را به سود خود و تحلیل های انقابی منحرف نماید.

از دیگر وجه نباید و نمی توان شماره اجرای نمود دشمنان انقلاب اسلامی را به شکل جاسوس های متعارف و یا در چند محفل روشنفکری یا مطبوعاتی دید. جستجوی خط نمود را می توان در جریان هایی جستجو کرد که می توانند زمینه سازی القابات دشمنان انقلاب اسلامی باشند زیرا به وضوح روسی است که برنده اصلی حوادث یاد شده کسانی هستند که حواهان نامی فکری، سیاسی و اجتماعی هستند و بارنده کسی جز مدافعین انقلاب، گروهها و افرادی که دل در گرو نظام، جنبه آزرستها و بساطی و دزد ستاوردهای انقلاب اسلامی دارند. دساوردهایی که در چهره آزادی، استقلال و توسعه سیاسی و فکری کشور پس از انقلاب و خصوصاً در دوران پس از خرداد از تعیین و مشخص بیشتری برخوردار شده است و به همین مناسبات را بر هرگونه رفتار خشن از سوی دشمنان انقلاب بسته است.